



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری

«اداره مطالعات و مقررات بانکی»

نظارت بر ساختارهای بانکی با مالکیت موازی

از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری

بانک تسویه بین‌المللی

(ژانویه ۲۰۰۳)

ترجمه: فرهاد خالقی

گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری

بهمن ۱۳۸۳

فهرست مطالب

شماره صفحه

	پیشگفتار
۱	۱- مقدمه
۳	۲- ویژگی ساختارهای بانکی با مالکیت موازی
۵	۳- دغدغه‌های نظارتی
۸	۴- ایجاد ساختارهای بانکی با مالکیت موازی
۱۱	۵- نظارت بر ساختارهای بانکی با مالکیت موازی
۱۱	- همکاری نزدیک بازرسان با یکدیگر
۱۳	- مرجع هدایت‌گر امور نظارتی
۱۴	- تجدید ساختار
۱۴	- محدود کردن حوزه فعالیت بانک داخلی
۱۵	۶- خلاصه کلام
۱۷	ماخذ

بسمه تعالی

پیشگفتار^۱:

گسترش تجارت بین‌المللی در دهه‌های اخیر تاثیر خود را بر صنعت بانکداری برجای گذاشته است. با توجه به رقابت شدید، بانکها به منظور بقای خود در بازارهای مالی بین‌المللی و نیز رفع نیازهای مشتریان، بر فعالیتهای برون مرزی خود افزودند. ایجاد شعب، شرکتهای تابعه و ... توسط بانکها تعداد شرکتهای هولدینگ بانکی را در سراسر دنیا به سرعت افزایش داد. تعدد بانکهای متعلق به شرکتهای مذکور که در خارج از سرزمین اصلی قرار داشتند موضوع نظارت بر این موسسات را به خاطر ساختار سازمانی در هم تنیده آنها و نیز تابعیت چندگانه بانکهای با ساختار مالکیتی مرتبط را (به دلیل قرار گرفتن در حوزه‌های قانونی مختلف) دشوارتر ساخت.

حادثه بانک BCCI در سال ۱۹۸۷ ضرورت تدوین استانداردهایی به منظور نظارت یکپارچه بر بانکهای با ساختارهای موازی را آشکار ساخت. در سال ۱۹۸۷ موسسه پرایس واترهاوس از طرف بانک مرکزی انگلستان، بانک BCCI را حسابرسی نمود. گزارش حسابرسی نامبرده حاوی تخلفات متعدد بانک BCCI، از جمله ثبت نادرست سپرده‌ها، پوشاندن زیانهای ناشی از اعطای وام و عملیات خزانه، ثبت وامهایی که اصلاً وجود

۱- به نقل از ماخذ ذیل:

صدیقه رهبر شمس‌کار، درآمدی بر مقوله ریسک در بانکداری بین‌المللی و تاثیر آن بر مقررات احتیاطی، با تمرکز بر خطر اعتباری و نحوه مدیریت آن، دی ماه ۱۳۷۹، مدیریت کل نظارت بر بانکها و موسسات اعتباری، اداره مطالعات و مقررات بانکی .

خارجی نداشتند، پنهان ساختن وضعیت مالی واقعی بانک از دید مقامات مسئول تنظیم امور بانکی بود. این تخلفات، به تعطیل بانک در سال ۱۹۹۱ در سراسر جهان و انجام اقدامات هماهنگ برای کنترل داراییهای آن به شکل ضبط داراییهای گروه و تعطیل شعب آن در حوزه‌های قانونی که بیشترین عملیات را داشت منجر گردید. تعطیلی این بانک پیامدهایی نیز برای سیستم بانکی بین‌المللی داشت که مجدداً توجه مقامات را به مخاطرات موجود در نظامهای پرداخت، واریز و تسویه جلب نمود. توضیح آنکه بانک BCCI در سال ۱۹۷۲ در لوکزامبورگ به ثبت رسید. سپس ساختاری "چند بانکی" تحت شرکت هولدینگ به نام BCCI یافت. در این مرحله بانک مذکور بسرعت فعالیت خود را در سطح بین‌المللی گسترش داد ولی با توجه به اینکه BCCI یک شرکت هولدینگ بود، فعالیتهای بین‌المللی آن تحت نظارت کشور میزبان قرار نداشت. از سوی دیگر، ساختار چند بانکی آن سبب شد که مسئولیت عمده نظارت بر فعالیتهای آن بانک بین حوزه‌های قانونی مختلف تقسیم گردد. گردش نامطلوب اطلاعات بین مقامات نظارتی کشور میزبان و مقامات نظارتی بانکهای متعلق به شرکت هولدینگ در کشورهای مختلف به ویژه در حوزه‌های قانونی خارجی و پنهان کاری و عدم همکاری نظار با یکدیگر، منجر به سوء استفاده مدیران بانک از شرایط گردیده و نارساییهای قابل توجهی را در سیستم بانکداری بین‌المللی به وجود آورد.

گزارش حاضر، "تحت عنوان ساختارهای بانکی با مالکیت موازی" مجموعه‌ای است که در این راستا و با هدف ارایه تعریف مشخص از این گونه ساختارها، نحوه شناسایی آنها و نیز نظارت کارآمد بر آنها توسط کارگروهی از کمیته نظارت بر بانکداری (کمیته بال) تهیه گردیده است.

بسمه تعالی

ساختارهای بانکی با مالکیت موازی^۱

۱- مقدمه

بانکهای موازی، بانکهایی هستند که در حوزه‌های قضایی^۲ مختلف به ثبت می‌رسند. این گروه از بانکها، به این دلیل که بخشی از یک گروه مالی محسوب نمی‌شوند مشمول اهداف نظارت یکپارچه نمی‌گردند، ولی در عین حال از مالک (مالکین) واحدی برخوردارند، از این رو، اغلب دارای مدیریت مشترک و فعالیتهای تجاری بهم پیوسته می‌باشند. مالک (مالکین) ممکن است یک فرد یا یک خانواده، گروهی از سهامداران خصوصی، یک شرکت هولدینگ و یا موسسه دیگری باشد که تابع نظارت بانکی نیست. در بانکداری موازی ممکن است روابطی وجود داشته باشد که برای بازرسان ناشناخته باشد.^۳

۱- این مقاله (Parallel-Owned Banking Structures) به وسیله کار گروه بانکداری برون مرزی، یک گروه مشترک متشکل از اعضای کمیته بال سوئیس و گروه نظارت بانکداری برون مرزی، تهیه گردیده است.

۲- Jurisdiction.

۳- این بدین مفهوم نیست که تعریف ارائه شده "گروه‌های شرکتی بزرگ" را (که دارای واحدهای تابعه بانکی در کشورهای مختلف می‌باشند و فعالیت اصلی آنها مالی نبوده و همچنین نظارت یکپارچه مناسبی بر آنها صورت نمی‌گیرد) شامل می‌شود. در این مورد، به منظور هماهنگی نظارت بر واحدهای مختلف مالی گروه باید ترتیبات نظارتی مناسب و چارچوبهای قانونی ناظر بر جریان اطلاعات در جایی بیان گردد.

ممکن است به دلایل مختلفی، چنین ساختارهایی ایجاد شوند مثلاً استفاده از تفاوت ترتیبات مالیاتی، گریز از محدودیتهای قانونی موجود در بعضی از کشورها، در رابطه با تملک شرکتهای تابعه خارجی توسط بانکهای داخلی یا تنوع بخشی به ریسک کشورهای خارجی که از نظر اقتصادی یا سیاسی بی ثبات محسوب می شوند. در بعضی موارد نیز ممکن است انگیزه، تلاش برای طفره رفتن از محدودیتهای نظارتی یا نظارت یکپارچه کشور مادر باشد.^۱

اگرچه ممکن است بین بانکهای موازی رابطه نزدیکی وجود داشته باشد اما آنها اعضای یک گروه بانکی تعریف شده که تابع نظارت یکپارچه باشند محسوب نمی شوند. از این رو، ساختارهای بانکی با مالکیت موازی برای بازرسی که از ماهیت و میزان روابط و تعاملات بین بانکها آگاه نباشند می تواند ریسک بیشتری را دربر داشته باشد. به نحوی که بر صحت و سلامت بانک اثرگذار باشد.

نبود شفافیت می تواند این انگیزه را برای مدیران مالی بانکها ایجاد کند تا ساز و کارهای حمایتی غیر شفاف به کار گیرند یا ریسکهای واقعی درون گروه را پنهان سازند. نهایتاً، مسائل فراروی یک بانک ممکن است باعث از بین رفتن اطمینان نسبت به بانک موازی گردد، حتی اگر بین آن دو تعاملی وجود نداشته باشد.

با عنایت به مسائل نظارتی که در رابطه با ساختارهای بانکی با مالکیت موازی ممکن است پیش آید، یک پیش فرض وجود دارد که در اصل چنین ساختارهایی نمی بایست مجاز شناخته شوند این نقطه نظر، دیدگاه کمیته نظارت

۱- Home Country

بانکی بال طی سالهای اخیر از زمان ورشکستگی BCCI (بانک اعتبار و تجارت بین‌المللی) می‌باشد.^۱ این مقاله رهنمودهای نظارتی در خصوص بانکهای موازی را ارائه می‌نماید.

۲- ویژگی ساختارهای بانکی با مالکیت موازی

ویژگی‌های ذیل، شاخص‌هایی هستند که براساس آن یک بانک داخلی به وسیله شخص یا گروهی از اشخاص به طور مستقیم یا غیر مستقیم کنترل می‌شود و همچنین یک بانک خارجی را از طریق ساختار موازی کنترل می‌نمایند. اگر در یک بانک، یک یا چند مورد از این ویژگیها دیده شود بازرسین می‌بایست بررسیهای بیشتری انجام دهند تا نسبت به وجود یا نبود ساختار بانکی با مالکیت موازی اطمینان حاصل کنند.

۱- اولین استانداردهای حداقلی بیان می‌دارد که همه گروههای بانکی بین‌المللی و بانکهای بین‌المللی می‌بایست به وسیله یک مرجع ذیصلاح کشور مادر که قادر به اجرای نظارت یکپارچه باشد نظارت شوند. به منظور نیل به این استاندارد، مرجع ذیصلاح نظارتی کشور میزبان، می‌بایست علاوه بر سایر قابلیت‌ها این توانایی را داشته باشد که از روابط شرکتی یا ساختارهایی که به نگهداری اطلاعات مالی تلفیقی خدشه وارد می‌کنند و یا به هر ترتیب دیگر مانع از نظارت کارآمد بر یک بانک یا گروه بانکی می‌شود، جلوگیری کند. (استانداردهای حداقلی برای نظارت بر گروههای بانکی بین‌المللی و موسسات برون‌مرزی آنها، صفحه ۳ سال ۱۹۹۲)

- فرد یا گروهی که بطور هماهنگ یک بانک خارجی و نیز سهام یک بانک داخلی را با هر درجه‌ای^۱ از حق رای اداره می‌کنند؛ یا افرادی را تامین مالی می‌کنند که مالکین یا اداره‌کنندگان سهامی هستند که از یک بانک خارجی دریافت شده و یا یک بانک خارجی آن را تهیه نموده است. (به ویژه، اگر سهام مورد نظر متعلق به یک بانک داخلی باشد و برای دریافت وام بابت خرید سهام به وثیقه گذاشته شده باشد).
- هر بانک داخلی که سیاستها و راهبردهای خاص و منحصر به فردی، مشابه با یک بانک خارجی را اتخاذ نماید. مانند استراتژی‌های بازاریابی مشترک، دارا بودن بانک اطلاعاتی مشترک مشتریان، فروش متقابل محصولات یا داشتن وبسایتهای مرتبط.

۱- Voting and non-voting shares

به طور کلی، دارندگان سهام عادی یک شرکت در جلسات شرکت دارای حق رای هستند. با این همه، در سالهای دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برخی از شرکتها در انگلیس سهام عادی "A" منتشر کرده‌اند و این سهامها کلیه خطرات احتمالی دیگر سهام عادی را دربر دارند اما دارای حق رای نیستند و شرکتهایی انتشار داده‌اند که مدیران آنها نمی‌خواهند تسلط و اختیار خود را بر سازمان از راه پیشنهادهای خرید سلطه‌جویانه از دست بدهند. نشر این‌گونه سهام عموماً با مخالفت روبه رو شده است، اگرچه صاحبان سهام ترجیحی بیشتر به عنوان عضو شرکت مورد نظر قرار گرفته‌اند تا طلبکار، معمولاً حق رای ندارند جز هنگامی که سود سهمی آنها به صورت دیون معوق در آمده باشد و یا موقعی که اقلام معاملات تجاری روی حق رای آنها اثر بگذارند، صاحبان اوراق قرضه حق رای ندارند.

(دکتر منوچهر فرهنگ - فرهنگ علوم اقتصادی)

- کارمند عالی‌رتبه یا مدیر یک بانک داخلی، بانک خارجی را کنترل می‌کند و در بانک داخلی و خارجی (در هر دو) دارای سمت واحدی است و یا عضوی از یک گروه افراد با وابستگی‌های مشترک است که بانک خارجی را کنترل می‌نمایند.^۱
- بین بانک داخلی و بانک خارجی روابط کارگزاری و سایر روابط دوجانبه در سطحی کاملاً غیر متعارف، وجود داشته باشد.
- بانک داخلی با بانک خارجی هم نام باشد یا دو بانک دارای تشابه اسمی باشند.

۳- دغدغه‌های نظارتی

اهمیت نظارت یکپارچه کارآمد بر یک گروه بانکی، در تفاهم نامه کمیته بال (۱۹۸۳)، استانداردهای حداقلی برای نظارت بر گروههای بانکی بین‌المللی و موسسات برون‌مرزی آنها (۱۹۹۲)، نظارت بر بانکداری برون‌مرزی (۱۹۹۶)، و اصول اساسی برای نظارت بانکی کارآمد (اصول ۲۵ گانه کمیته نظارت بانکی بال ۱۹۹۷) مورد تاکید قرار گرفته است.

به منظور افزایش توانمندی ناظر بانکی کشور میزبان، برای انجام نظارت فراگیر بر گروه، هریک از مستندات فوق، بر ضرورت کفایت گردش اطلاعات تاکید می‌نمایند.

۱- البته به صرف وجود یک مدیر مشترک نمی‌توان حکم کرد که کنترل مشترکی بر روی

بانکهای داخلی و خارجی صورت می‌گیرد.

در رابطه با یک ساختار بانکی با مالکیت موازی، دو یا چند بازرسی در کشور مادر این مسئولیت را به عهده دارند اما هیچ یک از این بازرسان کار نظارت یکپارچه بر کل گروه بانکی را انجام نمی دهند. امکان پذیر و عملی نیست که یک بازرسی ملزم گردد به تنهایی اطلاعات نظارتی مورد نیاز در رابطه با همه بانکهای موازی خارجی در گروه را گردآوری کند، به خصوص اگر بخشهایی از ساختار سازمانی در کشورهای خارجی از شفافیت لازم برخوردار نباشد. عدم شناخت بازرسی نسبت به چگونگی تأثیرپذیری بانکهای داخلی از موقعیت مالی و مخاطرات کل گروه بانکی، اعمال ضوابط احتیاطی معمول در رابطه با بانک داخلی را دشوار می سازد.

اساساً ریسکهای خاص در رابطه با ساختارهای بانکی با مالکیت موازی از این احتمال نشأت می گیرد که مدیران یا کارمندان عالی رتبه یک بانک با مالکیت موازی از طریق انجام معاملاتی با بانکهای موازی مرتبط، بانک را در عرصه بین المللی یا داخلی در معرض ریسکهای بالاتری قرار می دهند. مثلاً این خطر وجود دارد که معاملات با همه بانکها به شکل حقیقی و عادی انجام نشود.^۱ یا ممکن است از روابط، برای ارائه وضعیت مالی ساختگی یک یا چند موسسه استفاده شود. برای مثال می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

• به منظور گریز از قانون و دیگر محدودیتهای نظارتی در رابطه با

وام دهی، یک بانک موازی ممکن است معاملات را از طریق بانک

موازی مرتبط با آن انجام دهد و از این طریق خطر تمرکز را افزایش

دهد.

^۱ - At arms-length

- ممکن است به طور ساختگی (از طریق حساب‌سازی)، داراییها، درآمدها و زیانها در حسابهای بانکهای موازی منظور شوند. همین‌طور، داراییهای کم کیفیت و وامهای مسالهدار نیز می‌تواند بین بانکهای موازی منتقل گردند تا با دستکاری زیانها و درآمدهای بانکها، از بررسیهای نظارتی جلوگیری کنند.
- تشکیل سرمایه یک بانک موازی می‌تواند به طور تصنعی از محل دریافت وامهای خرید سهام از بانک موازی دیگر انجام شود. در نتیجه، بدون این که هیچگونه سرمایه‌ای از خارج به هیچیک از دو بانک تزریق شده باشد سرمایه یکی از آنها افزایش یابد.
- یکی از بانکهای موازی ممکن است در معامله‌ای وارد شود یا مشارکت نماید که قوانین محلی یا قوانین یک کشور خارجی نقض گردد یا اینکه طوری برنامه‌ریزی شود که یکی از بانکها به بهای زیان‌دهی دیگری منتفع شود.
- بانکی که از نظر مالی شرایط نامطلوبی را تجربه می‌کند ممکن است موسسه متبوعه خود را در حدی فراتر از چارچوب‌های قانونی یا ضوابط احتیاطی، برای تأمین نقدینگی یا سایر حمایتها تحت فشار قرار دهد.
- مسائل پول‌شویی ممکن است به طور حادی خود را نشان دهد به‌ویژه اگر بانک موازی خارجی در کشوری واقع شده باشد که در آن مقررات مبارزه با پولشویی از قاطعیت برخوردار نباشد.

۴- ایجاد ساختارهای بانکی با مالکیت موازی

نظارت یکپارچه موثر بر ساختارهای بانکی با مالکیت موازی به دلیل ماهیت آنها، اگر نگوییم غیرممکن، لیکن بسیار دشوار است. در عین حال اذعان می‌شود که در بعضی از کشورها قوانین به ناظرین بانکی این اجازه را نمی‌دهد که به آسانی مجوز بانکی را به این دلیل که با ساختار مالکیت موازی ایجاد گردیده است لغو کنند. تصور می‌شود جایی که امکان از بین بردن شکافهای نظارتی وجود ندارد باید از پذیرش تقاضاهای جدید مربوط به بانکهای موازی خودداری شود.

در بعضی از حوزه‌های قضایی، قانونی به مرحله اجرا درآمده است که به نظر این اختیار را می‌دهد تا از دادن مجوز به بانکهایی که ساختارهای شرکتی آنها نظارت ناپذیر است خودداری کنند یا مجوزهای موجود را لغو کنند. کشورهایی که قبلاً به این رویه عمل نمی‌کردند تشویق می‌شوند که به این ترتیب رفتار کنند.

عواملی که می‌تواند ناظرین بانکی را به این نتیجه نایل سازد که ساختار شرکتی مانع نظارت یکپارچه موثر است عبارتند از:

- پیچیدگی ساختار بانک به نحوی باشد که ارایه تصویر روشن از فعالیت کامل گروه دشوار گردد.
- امکان شناسایی دقیق مالکیت نهایی (اصلی) ضعیف باشد.
- شرکت‌های گروه در حوزه‌های قضایی فعالیت کنند که با محرمانه تلقی شدن اطلاعات، دسترسی به آن محدود گردد.
- بخش قابل توجهی از فعالیتهای گروه در حوزه‌های قضایی انجام شود که از نظر ضوابط و نظارت ضعیف باشند.

- گروه تابعیت عادی نداشته باشد.

آنجا که بازرسی قانوناً یا عملاً توان جلوگیری از تاسیس یک بانک موازی را ندارد، می‌بایست در پی این باشد که از طریق به حداقل رسانیدن شکافهای نظارتی، ریسک را محدود سازد.

هنگام ارزیابی درخواست مجوز یک بانک، صدور مجوز صلاحیت می‌بایست مستلزم این باشد که متقاضی اطلاعاتی درخصوص ساختار مالکیتی خود ارائه نماید، به طوری که محرز گردد که آیا مالکین ذینفع^۱، کنترل بانک یا بانکهای را در حوزه‌های قانونی دیگر دارند یا خیر؟ ممکن است الزام مالکین ذینفع به تهیه یک اظهارنامه مفید باشد.^۲ ناظر بانکی می‌بایست آگاهی یابد که جایگاه این بانک در ساختار گروه چگونه است و باید به اطلاعاتی در رابطه با سایر عملیات بانکی دست یابد.

بازرس در رابطه با درخواست متقاضی می‌تواند با بازرس (بازرسان) بانک(های) موازی خارجی تبادل نظر نماید. در صورت امکان، تبادل نظر می‌بایست حول این محور انجام شود که کل ساختار گروه، چگونه می‌تواند نظارت شود. به منظور کسب اطمینان از این که یک ساختار بانکی با مالکیت

^۱ - Beneficial owners

^۲ - عملاً امکان دارد که بازرس همواره نتواند به اطلاعات جامعی در رابطه با مالکین ذینفع دست یابد مگر اینکه، در جایی که وجود ساختار بانکی با مالکیت موازی به اثبات رسیده است یک سیستم پایاپای ایجاد نمود که از طریق آن کلیه بازرسان بتوانند اطلاعات خود را راجع به مالکین ذینفع اعلام نمایند.

موازی بر مبنای نظارت یکپارچه نظارت پذیر است بازرسی به هنگام پذیرش درخواست، می تواند یک یا چند مورد از شرایط ذیل را اعمال نماید.

- انجام تغییر در ساختار گروه، بر مبنای استانداردهای حداقلی به منظور انجام نظارت کارآمدتر.

- به منظور هماهنگی نظارتی، الزام بانک به پذیرش تریبانی که در بخش ۵ در مورد آن بحث شده است.

- ایجاد محدودیت برای بانک در رابطه با تعهداتی که در معاملات با بانک موازی خارجی می پذیرد.

- ایجاد محدودیت برای بانک در رابطه با حدی که بانکهای موازی می توانند مدیریت مشترک داشته باشند.

- الزام مالکین ذینفع بانکهای موازی به ارائه موافقت نامه کتبی، در رابطه با ارسال اطلاعات مورد نیاز به منظور آگاهی از عملیات و ریسکهای درگیر کل گروه بانکی موازی، به محض درخواست ناظرین بانکی.

- جلوگیری از فعالیت یک بانک به عنوان عامل گردآوری و هدایت سپرده ها به موسسه موازی.

به شرط موافقت، بانک می بایست ملزم شود تا برای بررسی عملکرد در موارد ذیل آمادگی همکاری با ناظرین بانکی را داشته باشد.

- رویه تعامل بانک با بانک(های) موازی خارجی.
- مقدار اکسپوزر بانک در معاملات با بانکهای موازی خارجی.

۵- نظارت بر ساختارهای بانکی با مالکیت موازی

در حال حاضر تعداد قابل ملاحظه‌ای بانکهای موازی فعالیت می‌نمایند. ارائه پیشنهاد تعطیلی آنها عملی نیست. اما لازم است اقداماتی انجام شود تا ریسک‌هایی که به وسیله این موسسات ایجاد می‌شوند محدود گردند و این اطمینان حاصل شود که آنها تحت نظارت کافی قرار دارند. ممکن است چندین رویکرد نظارتی در نظر گرفته شود. اول، به منظور کسب اطمینان از بالا بودن سطح همکاری و هماهنگی برای نظارت بر بانکهای موازی، یک ناظر بانکی می‌بایست ارتباط تنگاتنگ با بازرسی خارجی ذریبط برقرار نماید. در صورت امکان، یک مرجع هدایت‌گر^۱ برای نظارت یکپارچه بر این ساختار تعیین گردد. دوم، ناظر بانکی می‌بایست یا تجدید ساختار گروه را الزامی اعلام نماید و یا محدود کردن حوزه فعالیت‌های بانک داخلی را مدنظر قرار دهد.

در هر حال نهایتاً اگر امکان اجرای نظارتی قانع‌کننده و قابل قبول وجود نداشته باشد در صورت لزوم ممکن است به فعالیت بانک خاتمه داده شود.^۲

❖ همکاری نزدیک بازرسان با یکدیگر

ساز و کار عمده برای نظارت بر ساختارهای بانکی با مالکیت موازی این است که بازرسان برای کسب اطمینان از کفایت نظارت و شناخت نسبت به کل گروه بانکی با یکدیگر همکاری داشته باشند. ناظر بانکی خارجی

۱- Lead Supervisor

مرجع هدایت‌گر امور نظارتی، براساس توافق، می‌تواند از واحد نظارتی کشور اصلی یا ترجیحاً از واحد نظارتی متبوعه بزرگترین گروه موسسه مالی باشد. (مترجم)

۲- اختیار نظارتی برای بستن بانک تحت قانون اتحادیه اروپا (EU) انجام می‌شود.

می‌بایست نسبت به همکاری و تبادل اطلاعات برون‌مرزی بانک تمایل نشان دهد و با نظر داخلی همکاری کند و نیز انطباق فعالیت آنها با قوانین و مقررات بانکی کشور را به اطلاع ناظر داخلی برساند.

بازرسان برای ارزیابی ریسکی که از ساختار بانک موازی نشات می‌گیرد، به اطلاعات معینی نیاز دارند که احتمالاً از طریق ارتباط تنگاتنگ با بازرسان خارجی می‌توانند به چنین اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند. این اطلاعات

شامل:

- استراتژی، مدیریت، سازمان و فعالیتهای ساختار بانکی با مالکیت موازی.
- معاملات بین شرکتی مرتبط.
- کفایت نظارت بازرسی خارجی.
- رویدادهای سیاسی، حقوقی یا اقتصادی در کشور خارجی.

نظارت حضوری (on-site) بانک موازی داخلی، می‌بایست بخش قابل توجهی از برنامه نظارتی را تشکیل دهد. ممکن است برای ناظرین بانکی مفید باشد که پیش از بررسی عملکرد بانک و پی بردن به وجود مسائل و نگرانیهایی در رابطه با عملیات بانک موازی خارجی که می‌تواند بر بانک موازی داخلی تاثیرگذار باشد، با ناظر بانکی که نظارت بر بانک موازی خارجی را برعهده دارد ارتباط برقرار کنند. در هر حال، برنامه‌های نظارت حضوری و غیرحضوری می‌بایست شامل انجام بررسی‌های خاص روابط بین شرکتی و معاملات مربوطه، از جمله معاملاتی که تحت مقررات قابل اجرا انجام می‌شوند، باشد.

❖ مرجع هدایت‌گر امور نظارتی

یک گزینه برای نظارت بر ساختار بانکی با مالکیت موازی این است که یک بازرس (به شکل ایده‌آل آن، بازرس بزرگترین واحد) در مقام مرجع هدایت‌گر، نظارت یکپارچه بر ساختار را انجام دهد.

این ترتیبات، فقط در موارد محدودی قابل اجرا می‌باشند. وقتی وجود مرجع هدایت‌گر امور نظارتی امکان‌پذیر گردید به منظور ایجاد تسهیلاتی برای انجام نظارت توسط مرجع هدایت‌گر فوق‌الذکر به این دلیل که مرجع مذکور اختیار قانونی نظارت بر بانکهای موازی خارجی را ندارد، لازم است موافقت موسسات و بازرسان ذیربط اخذ گردد.

رویکرد انتصاب یک مرجع هدایت‌گر امور نظارتی در بسیاری از حوزه‌های

قضایی عملی نیست زیرا:

- موانع قانونی و ملاحظات شخصی ممکن است مرجع هدایت‌گر امور نظارتی را از دستیابی به اطلاعات نظارتی مورد نیاز در رابطه با بانکهای موازی خارجی باز دارد.
- رویه‌های نظارتی متعارف (به ویژه نظارت حضوری برون مرزی) ممکن است از دیدگاه اجرایی یا قانونی امکان‌پذیر نباشد.
- سپرده‌گذاران و بستانکاران بانکهای موازی خارجی ممکن است به مرجع هدایت‌گر امور نظارتی (و بانک مرکزی اگر هر دو مرجع یکی نباشند) به دیده یک مدیر تصفیه یا آخرین مرجع وام‌دهنده نگریسته و به این ترتیب به دلیل اتکای آنها به نظارت مراجع مذکور خطر اخلاقی (روحیه بی‌مسئولیتی)^۱ و مسائل ریسک شهرت ایجاد گردد.

۱- Moral hazard

- زمانی که منابع نظارتی به منظور نظارت و هدایت بازرسان بانکهای موازی خارجی به نحوی جهت‌دهی می‌شوند که به ارزیابی‌های مرجع هدایت‌گر امور نظارتی بی‌توجهی شود مسائل بودجه‌ای مطرح می‌گردد.
- امکان ندارد که برای انجام بازرسی از بانکهای کشور متبوع مرجع هدایت‌گر امور نظارتی، برای بازرسان خارجی ترتیبات متقابل منظور شود.
- امکان اعطای "اختیارات اجرایی مناسب" به مرجع هدایت‌گر امور نظارتی، به منظور نظارت بر کلیه بانکهای گروه وجود ندارد.

❖ تجدید ساختار

بازرس می‌تواند به منظور کاهش ریسک ناشی از ساختار بانک موازی بر بانک داخلی و برای اجرای نظارت کارآمدتر تغییری در ساختار گروه ایجاد کند یا برای بانک داخلی در معاملات با بانک خارجی محدودیتهایی قائل شود یا مدیریت مشترک را محدود سازد. بازرس باید تلاش کند در اولین فرصت هر یک از محدودیتهای فوق را اعمال نماید. این امر، زمانی که بانک نیاز به تائیدیه نظارتی برای هرگونه اقدامی داشته باشد به آسانترین شکل عملی است.

❖ محدود کردن حوزه فعالیت بانک داخلی^۱

در جایی که بازرسان یک بانک موازی به این نتیجه دست یابند که

^۱ - Ring fencing

امکان دسترسی به اطلاعات لازم و کافی در مورد بخشهای اصلی ساختار بانکی با مالکیت موازی وجود ندارد و نیز برای کاهش ریسک ناشی از ساختار بانک موازی همکاری لازم با بازرسی خارجی امکان پذیر نیست، می بایست محدود نمودن حوزه های فعالیتهای بانک داخلی را مد نظر قرار دهند. ایجاد محدودیت برای اکسپوزر بانک داخلی در رابطه با بانکهای موازی مرتبط و نیز سایر اعضای گروه از آن جمله است.

۶- خلاصه کلام

نتیجه این که اساساً ساختارهای بانکی با مالکیت موازی به دلیل در تعارض بودن آنها با اصول اساسی نظارت بر بانکداری (اصول ۲۵ گانه کمیته نظارت بانکی بال) نمی بایست مجاز شمرده شوند. اما بازرسی، قانوناً و عملاً قدرت جلوگیری از ایجاد یک بانک موازی را ندارد بنابراین برای نظارت کارآمدتر، بازرسی، باید با استفاده از تحمیل شرایط یا اعمال محدودیتها در پی محدود کردن ریسک باشد. نظارت مناسب بر ساختارهای بانکی با مالکیت موازی که در حال حاضر فعال هستند، فقط در صورتی امکان پذیر است که بازرسان ذیربط به طور تنگاتنگ با هم هماهنگ بوده و اطلاعات را مبادله نمایند و به منظور حداقل نمودن شکافهای نظارتی به ویژگیهای خاص بانکها توجه کنند. انتصاب مرجع هدایت گر امور نظارتی که کار نظارت یکپارچه بر گروه را پیش برد صرفاً یک گزینه است و بیشتر بازرسان ممکن است تمایل نداشته باشند یا نتوانند به دلیل نبود اختیارات قانونی این مسئولیت را برعهده گیرند. بازرسی می بایست اجرای تجدید ساختار گروه یا محدود

نمودن حوزه فعالیت‌های بانک داخلی را مدنظر داشته باشد. نهایتاً، اگر امکان فعالیت یک سیستم نظارتی رضایت‌بخش و مناسب وجود نداشته باشد ممکن است لازم باشد به فعالیت بانک خاتمه داده شود. شیوه انجام مناسب این امور و نیز سایر خط‌مشی‌های احتیاطی باید به‌طور شفاف در راهنمایی که از سوی بازرسان در رابطه با خط‌مشی‌های نظارتی و صدور مجوز منتشر می‌شود، آورده شود.

ماخذ:

**BIS, Basel Committee on Banking Supervision,
Parallel-owned banking structures, January ۲۰۰۳**

استفاده از مطالب این نوشتار با ذکر ماخذ بلامانع است.